

بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان

اکبر پرکان^۱، هدا حلاج زاده^۲، محمدرضا غلامی^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان می‌پردازد، جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان می‌باشد که جمعیت آنان در سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۰۳۳۰۳ نفر بوده است. از این جامعه آماری نمونه‌ای به تعداد ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه نگرش به طلاق کینایرد و جرارد (ADS) و پرسشنامه‌های محقق ساخته برای سنجش سرمایه اجتماعی و عوامل جمعیت شناختی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مون همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس (آزمون آنوا) و آزمون تی دو نمونه‌ای مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی با نگرش مثبت به طلاق وجود دارد به این معنا که پاسخگویانی که از سرمایه اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار بودند نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشتند. با این وجود از بین ابعاد سرمایه اجتماعی، متغیر مشارکت اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت اما متغیرهای اعتماد اجتماعی و عضویت اجتماعی مورد تأیید قرار نگرفتند و رد شدند و از بین ابعاد سرمایه فرهنگی، متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته مورد تأیید قرار گرفت و دو متغیر دیگر یعنی سرمایه فرهنگی نهادینه و تجسم‌یافته رد شدند. همچنین از بین متغیرهای جمعیت شناختی دو متغیر سطح تحصیلات و میزان درآمد مورد تأیید قرار گرفتند و نشان دادند که رابطه معنادار و مستقیمی با نگرش مثبت به طلاق دارند.

واژگان کلیدی: نگرش، طلاق، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی عینی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان، ایران (Email: akbarparkanmsn@gmail.com)

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان، ایران (نویسنده مسئول) (Email: hhz_72@yahoo.com)

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، ایران (Email: mgholami2014@yahoo.com)

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای زندگی فردی و کانون شکل‌گیری شخصیت انسانی است. وقتی خانواده محلی امن و جایگاهی بانشاط و دارای روابطی باز و جهتی مثبت و سازنده باشد پشتوانه‌ای محکم برای زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز یک جامعه سالم می‌گردد. گاهی زندگی خانوادگی دچار تنش می‌شود و تعارض و سردرگمی در آن بروز می‌کند و اعضای خانواده (والدین) به جای حل مشکلات خود به جدال و خصومت می‌پردازد در این صورت فضای خانواده ناامن می‌شود و در آن دوری و اجتناب و سپس جدایی و طلاق اتفاق می‌افتد. امروزه نگرش‌ها در زندگی افراد اهمیت بسزایی پیدا کرده‌اند، اهمیت نگرش از این جهت است که صاحب‌نظران مطالعه نگرش را برای درک رفتار اجتماعی حیاتی می‌دانند و دیگر اینکه نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتارها هستند و این فرض به طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که با تغییر دادن نگرش‌های افراد می‌توان رفتارهای آن‌ها را تغییر داد یا پیش‌بینی و کنترل کرد. براین اساس بررسی و مطالعه علمی نگرش‌ها نسبت به طلاق و عوامل مؤثر بر نگرش‌ها (همچون سرمایه اجتماعی و فرهنگی) می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی به منظور پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه محسوب گردد.

در دانشنامه بین‌المللی، طلاق^۱ انحلال قانونی پیوند ازدواج تعریف شده است. بر اساس این تعریف طلاق معمولاً پس از یک دوره اختلال با بی‌سازمانی در روابط زناشویی واقع می‌شود. علاوه بر این انحلال زناشویی مفهوم وسیعی است که طلاق تنها یکی از اسباب آن است. در این پژوهش طلاق به معنای لغو قانونی پیوند زناشویی در ازدواج دائم مد نظر است که آن را از طلاق عاطفی جدا می‌کند. طلاق یک پدیده مهم اجتماعی است که نه تنها بر روی فرد تأثیر دارد بلکه در ابعاد وسیع‌تر کل جامعه را متأثر می‌کند. موضوع مهمی که در بحث طلاق نقش مهم و مؤثری دارد و در پژوهش‌هایی که در زمینه طلاق صورت گرفته و کمتر به آن توجه شده است عامل نگرش افراد است. لغت Attitude در زبان فارسی به نگرش - گرایش - ایستار بازخورد - خط‌مشی - رویه - شیوه رفتار - طرز تلقی - وجهه نظر - و طرز تفکر ترجمه شده است (ستوده، ۱۳۹۰: ۱۳۷) که در این پژوهش از بین این موارد به نگرش پرداخته شده است. نگرش عبارت است از پسندها و بیزارهای، دوست داشتن یا دوست‌نداشتن موقعیت‌ها - اشیاء - اشخاص - گروه‌ها و هر جنبه مشخصی از محیط از جمله اندیشه‌های انتزاعی و خط‌مشی‌های اجتماعی (اتکینسون، ۱۹۹۳: ۳۴۴). مایزر نگرش را عبارت از واکنش مطلوب یا نامطلوبی می‌داند که در باورها - احساس‌ها یا فهم کسی یا چیزی ابراز می‌شود (مایزر، ۱۹۸۸، به نقل از ستوده، ۱۳۹۰: ۱۳۸). نگرش‌ها نقش مهمی در زندگی، اندیشه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی ما دارند. افراد نسبت به موضوعات مختلف و دیگران نگرش‌ها و دیدگاه‌های خاصی دارند که این نگرش‌ها ناشی از اطلاع آن‌ها، احساس نسبت به آن‌ها و تمایل به انجام عمل در مورد آن‌هاست. نگرش یک حالت آمادگی روانی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان‌یافته تأثیر هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه اشیاء یا موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود دارد (الپورت، ۱۹۳۵، به نقل از کریمی، ۱۳۸۰: ۲۲۴-۲۲۵). روانشناسان اجتماعی بر روی یک تعریف سه‌عنصری نگرش اتفاق نظر دارند. عنصر اول عنصر شناختی^۲ است که شامل اعتقادات و باورهای یک فرد درباره یک شیء - یک پدیده یا اندیشه است. عنصر دوم عنصر عاطفی^۳ است که شامل احساسات و عواطف افراد نسبت به موضوعات و پدیده‌های اطراف خود می‌باشد. عنصر سوم عنصر رفتاری^۴ است که شامل تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به یک موضوع یا یک شیء به شیوه‌های خاص است (کریمی، ۱۳۸۰: ۲۲۷-۲۲۸). امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و فیزیکی (تولیدی) سرمایه دیگری نیز با عنوان، سرمایه اجتماعی^۵ مورد توجه قرار گرفته است

¹ divorce

² cognitive

³ feeling

⁴ tendency

⁵ social capital

(سراج‌الدین، ۱۹۹۶). واژه سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی طولانی در علوم اجتماعی دارد ولی سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه به کار می‌رود به حدود ۹۰ سال پیش و نوشته‌های نیفان برمی‌گردد. وی در توضیح اهمیت مشارکت، مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند و در وصف آن معتقد است چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد: حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هاست که سازنده واحد اجتماعی‌اند (شارع پور، ۱۳۸۵: ۹-۱۰). سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیم اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضا یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵).

در واقع منظور از سرمایه اجتماعی سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند از آن بهره‌مند شوند (پاتنام ۱۹۹۳، به نقل از شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۱). اما در کنار سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی^۱ نیز مطرح است. بورديو در تعريف سرمایه فرهنگی، آن را دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد می‌داند که در خلال اجتماعی شدن در او انباشته می‌شود و به بیان دیگر مهارت‌های رسمی و غیررسمی شامل عادت‌ها، روش‌ها، سلايق، سبک زندگی افراد، مدارک تحصیلی، کیفیت تحصیلی افراد و گرایش آنان به جمع‌آوری محصولات فرهنگی و هنری نیز از شاخص‌های سرمایه فرهنگی به شمار می‌آیند (بورديو، ۲۰۰۲). ویژگی ذاتی سرمایه اجتماعی و فرهنگی این می‌باشد که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و فرد برای برخورداری از این نوع سرمایه‌ها باید با دیگران رابطه داشته باشد (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲). باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی و فرهنگی یک ویژگی ژنتیکی فطری نیست بلکه پدیده‌ای است برخاسته از تجارب تاریخی مردم و لذا همواره در معرض تغییر قرار دارد. شناسایی میزان و روند سرمایه اجتماعی در میان مردم جامعه می‌تواند به شناسایی و حل مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی کند. یکی از این مسائل فرهنگی و اجتماعی در جامعه کنونی ما، مسئله طلاق و نگرش‌ها نسبت به آن است که متأسفانه آثار و پیامدهای گوناگونی را در سطح جامعه به وجود آورده است و بسیاری از خانواده‌ها را با خود درگیر کرده است. در واقع با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه می‌توان از این مفاهیم (به‌عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده) در تحلیل مسئله نگرش به طلاق بهره گرفت.

با توجه به رشد روزافزون پدیده طلاق در جامعه و پیامدهای ناشی از آن، ضرورت شناخت علمی و همه‌جانبه مسئله طلاق، نوع نگرش‌ها نسبت به آن و همچنین علل و عواملی که باعث بروز و افزایش طلاق در جامعه می‌شود لازم و ضروری است. طی سال‌های اخیر وضعیت طلاق و زناشویی در کشور ما دستخوش تغییر و تحولات گوناگونی شده است. بررسی تعداد موارد طلاق در کشور طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد که تعداد موارد طلاق همواره افزایش یافته است. چنان‌که بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی سازمان‌های مربوطه (مرکز آمار ایران) در ایران در سال ۱۳۷۵، ۳۸۸۱۷ نفر از یکدیگر جدا شده‌اند (۱/۵ در هزار) این در حالی است که در سال ۱۳۸۰ از جمعیت متأهل کشور ۶۰۵۵۹ نفر طلاق گرفته‌اند (۲/۳ در هزار) و این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۹۸۷۵۶ نفر (۳/۱ در هزار) و در سال ۱۳۹۰ به ۱۴۲۸۴۱ مورد رسیده است. همچنین در سال ۱۳۹۱ ۱۵۰۳۲۴ در سال ۱۳۹۲ ۱۵۵۳۶۹ مورد در سال ۱۳۹۳، ۱۶۳۵۶۹ مورد. در سال ۱۳۹۴، ۱۶۳۷۶۵ مورد و در ۹ ماه سال ۱۳۹۵، ۱۳۵۶۶۷ مورد طلاق اتفاق افتاده است.^۲ همچنین نگاهی به وضعیت طلاق در استان کرمان نشان می‌دهد که نرخ طلاق در این استان در سال‌های گذشته نیز روند صعودی داشته است. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران در کرمان در سال ۱۳۸۵، ۲۷۰۸ مورد- در سال ۱۳۸۶، ۳۰۰۳ مورد- در سال ۱۳۸۷، ۳۱۴۵ مورد- در سال ۱۳۸۸، ۳۳۶۷ مورد- در سال ۱۳۸۹، ۳۵۴۰ مورد- در سال ۱۳۹۰، ۳۶۰۷ مورد- در سال

^۱ cultural capital

^۲ برگرفته از نشریات سازمان ثبت‌احوال کشور www.sabteahval.ir

۱۳۹۱، ۳۵۵۹ مورد - در سال ۱۳۹۲، ۳۶۲۵ مورد - در سال ۱۳۹۳، ۳۷۵۵ مورد - و در سال ۱۳۹۴، ۴۴۳۵ و در نه ماهه اول سال ۱۳۹۵، ۴۹۶۵ مورد طلاق به ثبت رسیده است.^۱

نگرش افراد به طلاق و نوع احساس و جهت گیری آنان نسبت به این پدیده اجتماعی می تواند در تصمیم و اقدام به طلاق مؤثر باشد و در صورتی که این نگرش مثبت باشد احتمال طلاق در آینده را افزایش می دهد (انتظاری، ۱۳۸۹: ۳۵). سرمایه اجتماعی می تواند کارکردهای گوناگونی در جامعه داشته باشد به عبارت دیگر این نوع سرمایه قادر است مجموعه ای از آثار و نتایج اقتصادی اجتماعی را به بار آورد. (استیگلیتز، ۲۰۰۰). سرمایه اجتماعی دارای اثرات و کارکردهای مثبتی می باشد که در پنج قلمرو: رشد اقتصادی، جلوگیری از آسیب های اجتماعی، بهداشت و سلامت جسمی و روانی، کارایی حکومت و نهادهای سیاسی و بهبود عملکرد تحصیلی خود را آشکار می سازند. با توجه به اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی - فرهنگی و کارکردهایی که این نوع سرمایه در جامعه و خانواده دارد و همچنین با توجه به موضوع این پژوهش یعنی بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش افراد نسبت به طلاق، این پژوهش در پی آن است که مشخص کند که نگرش افراد نسبت به طلاق تا چه اندازه تحت تأثیر سرمایه های اجتماعی فرهنگی افراد در آن جامعه است و سرمایه های اجتماعی و فرهنگی افراد چقدر می توانند بر نگرش و ذهنیت آنان نسبت به موضوع طلاق اثرگذار باشند؟ در واقع پژوهشگر در این پژوهش تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش افراد را به عنوان یک ضرورت در نظر می گیرد که نیازمند مطالعه دقیق و بررسی گسترده می باشد. اهمیت کاربردی این پژوهش از آن روست که مطالعه بر روی نگرش افراد نسبت به طلاق و عوامل مؤثر بر نگرش ها و همچنین نتایج حاصل از آن می تواند ما را در شناخت هر چه بهتر آنان یاری رساند و راه را برای اجرای برنامه های حمایتی از افراد و همچنین پیشگیری از وقوع طلاق فراهم آورد و اهمیت نظری پژوهش این است که راه را برای انجام مطالعات جدید فراهم می آورد. بنابراین ضرورتی که باعث شد نگرش ها نسبت به طلاق به عنوان موضوع مورد بررسی این پژوهش قرار گیرد افزایش نرخ طلاق و آثار و پیامدهای آن در جامعه ایران و به خصوص در شهر کرمان می باشد از جمله این پیامدها افزایش خانواده ها و فرزندان بی سرپرست در سطح شهر، افزایش نوجوانان بزهکار در سطح شهر که اکثر آنان والدینشان از یکدیگر طلاق گرفته اند افزایش مشکلات عاطفی - روانی در بین افراد مطلقه، افزایش زنان مطلقه و مشکلات مالی و اقتصادی زنان مطلقه می باشد. و همین طور ضرورت و اهمیت مطالعه نگرش ها و پرداختن به آن در این پژوهش از این جهت است که صاحب نظران مطالعه نگرش را برای درک رفتار اجتماعی ضروری و حیاتی می دانند و دیگر اینکه نگرش ها تعیین کننده رفتارها هستند و این فرض به طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که با شناخت و آگاهی از نگرش های افراد، می توان تا حدودی رفتارهای افراد را نظارت، پیش بینی و کنترل کرد. همچنین علت تأکید بر سرمایه های اجتماعی و فرهنگی در این پژوهش از این جهت بود که شناسایی میزان و روند سرمایه های اجتماعی و فرهنگی در میان مردم جامعه می تواند به شناسایی و حل مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی کند.

هدف اصلی این پژوهش مطالعه و بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان می باشد.

همچنین اهداف فرعی پژوهش شامل؛

۱. بررسی ارتباط بین متغیرهای جمعیت شناختی افراد و نگرش آنها نسبت به طلاق
۲. بررسی ارتباط بین وضعیت اقتصادی اجتماعی افراد و نگرش آنها نسبت به طلاق
۳. بررسی ارتباط بین میزان سرمایه اجتماعی افراد و نگرش آنها نسبت به طلاق
۴. بررسی ارتباط بین سرمایه فرهنگی افراد و نگرش آنها نسبت به طلاق

فرضیه های پژوهش نیز شامل؛

۱. به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ سال ساکن شهر کرمان رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ سال ساکن شهر کرمان رابطه وجود دارد.
۳. بین سن و نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان رابطه وجود دارد.
۴. بین جنسیت و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۵. بین وضعیت تأهل و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۶. بین سطح تحصیلات و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۷. بین نوع شغل و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۸. بین سطح درآمد و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۹. بین اعتماد اجتماعی و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۱۰. بین مشارکت اجتماعی و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۱۱. بین شبکه‌های اجتماعی و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۱۲. بین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۱۳. بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.
۱۴. بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش

- جعفری و آقاجانی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان بررسی نقش واسطه‌ای سبک زندگی در ارتباط بین سرمایه فرهنگی - اقتصادی با نگرش به طلاق انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک زندگی معنادار است اما بر نگرش به طلاق معنادار نیست و در سرمایه اقتصادی این تأثیر برای سبک زندگی معنادار نیست اما نگرش به طلاق را به صورت معناداری تغییر می‌دهد. همچنین تأثیر سبک زندگی بر نگرش به طلاق معنادار است.
- رزمجویی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان مطالعه نگرش به طلاق در میان زنان و مردان متأهل و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر روانسر) انجام داده است. نتایج نشان داد که اکثر پاسخگویان نگرش منفی نسبت به طلاق دارند، همچنین میزان دینداری، میزان برآورده شدن انتظارات زوجین، میزان دخالت در امور خانواده و تصمیم‌گیری‌های زوجین ارتباط معنادار و مستقیمی با نگرش منفی نسبت به طلاق داشتند. به این معنا که هر چه میزان دینداری و برآورده شدن انتظارات افزایش یابد نگرش منفی تری نسبت به طلاق وجود دارد و هر چه دخالت در امور خانواده و تصمیم‌گیری‌های زوجین کمتر شود نگرش به طلاق منفی تر می‌شود و هر چه پایگاه اقتصادی و اجتماعی زوجین افزایش یابد نگرش به طلاق مثبت تر می‌شود.
- خزائی (۱۳۸۸) پژوهشی تحت عنوان بررسی سرمایه اجتماعی و نگرش زنان نسبت به طلاق در منطقه ۵ شهر تهران انجام داده است. نتایج حاصل از پژوهش گویای این است که سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی با نگرش زنان نسبت به طلاق داشته است. به این معنا که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی نگرش منفی تری نسبت به طلاق وجود داشته است که از میان ابعاد سرمایه اجتماعی ارتباط متغیر اعتماد اجتماعی با نگرش زنان به طلاق تأیید شده اما متغیرهای مشارکت اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی ارتباط معناداری با نگرش زنان به طلاق نداشتند.
- حیدری بیگوند و بخشی (۱۳۸۳) پژوهشی با عنوان نگرش جمعیت ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن انجام داده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان داد که عواملی نظیر تحصیلات دانشگاهی، تضاد و کشمکش در خانواده، برخورد با طلاق در میان آشنایان و بستگان، تماس با فرهنگ و جامعه غربی و افزایش انتظارات

ازدواج و زناشویی با نگرش به طلاق رابطه مثبت دارند و با افزایش میزان پایبندی به مذهب و سنت پیوند و معاشرت با خویشان رضایت از زندگی زناشویی و منزلت اجتماعی نگرش به طلاق منفی تر می‌گردد.

■ عطاری و همکاران (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان مقایسه شباهت ارزش‌ها و نگرش‌ها در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق در بین ۱۰۰ زوج شهر اهواز انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که شباهت زوج‌های عادی در ارزش‌های هنری و اقتصادی و مقیاس بی‌اعتنایی و نگرش به فرزندپروری، همچنین در نگرش به خانواده‌گرایی و نگرش به آموزش و پرورش بیش از شباهت زوج‌های متقاضی طلاق است.

پیشینه خارجی

- کاپینوس (۲۰۰۴) پژوهشی با موضوع تأثیر نگرش‌های والدین نسبت به طلاق بر نگرش‌های فرزند انجام داده است. نتایج نشان دادند که والدین بیشتری تأثیر را بر فرزند در سال‌های آخر نوجوانی دارند. پدران نسبت به مادران تأثیر بیشتری بر نگرش‌های فرزندان پسر دارند. این پژوهش همچنین نشان داد که طلاق والدین و تأثیرگذاری آن بر دیدگاه‌های فرزندان نسبت به طلاق، پس از کنترل نگرش‌های والدین، تنها برای فرزندان دختر و نه برای فرزندان پسر ادامه می‌یابد. تضاد پس از طلاق که از پی طلاق رخ می‌دهد تأثیرات متفاوتی بر نگرش‌های فرزندان پسر و دختر دارند.
- مارتین و پارشار (۲۰۰۳) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین نگرش به طلاق با مدارج تحصیلی در میان زنان جوان را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان دادند که برخلاف دهه‌های گذشته که با بالا رفتن سطح تحصیلات نگرش به طلاق سهل‌گیرانه‌تر می‌شد و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بازترین نگرش به طلاق را داشته‌اند اما در دهه‌های اخیر فارغ‌التحصیلان دانشگاه نسبت به طلاق نگرش سخت‌گیرانه‌ای دارند. این دو محقق دریافتند که رابطه میان نگرش به طلاق و سطح تحصیلی در میان زنان به‌طور جزئی توسط دو عامل درآمد و منزلت تبیین می‌شود به‌گونه‌ای که زنان دارای درآمد و منزلت بالاتر نگرش سخت‌گیرانه‌تری به طلاق داشتند.
- کاپینوس و پلرین (۲۰۰۰) پژوهشی با عنوان تأثیر اعتقادات مذهبی والدین بر روی نگرش به طلاق جوانان بالغ انجام داده‌اند. این پژوهش انتقال بین نسلی نگرش‌های طلاق و نگرش‌های مذهبی والدین را با دادن توجه ویژه به تأثیر رابطه فرزند-والد بررسی می‌کند. آن‌ها از طریق این پژوهش نشان دادند که اعتقادات مذهبی والدین از دو طریق تأثیر تعصبات مذهبی فرزندان و نگرش به طلاق والدین بر روی نگرش به طلاق جوانان بالغ آن‌ها تأثیر می‌گذارد. جوانان خیلی مذهبی دیدگاه سخت‌گیرانه‌تری نسبت به طلاق دارند اما جوانانی که با اعتقادات مذهبی والدینشان موافق نیستند از نگرش به طلاق والدین دیندارشان تأثیر می‌پذیرند.

ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

نگرش

واژه «Attitude» در زبان فارسی به نگرش، ایستار، طرز رفتار، طرز تلقی، پنداشت، طرز تفکر بر اساس مفروضات پیشین و مانند آن‌ها ترجمه شده است (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۱۳۶). از آنجا که مفهوم نگرش یک مفهوم انتزاعی است، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که صاحب‌نظران در مورد ماهیت نگرش‌ها اتفاق نظر داشته باشند. این اختلاف نظر در تعریف نگرش نیز دیده می‌شود به همین جهت تعاریف متعدد و متنوعی از نگرش از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. بالدوین در تعریف نگرش می‌گوید: نگرش عبارت است از آمادگی برای توجه یا اقدام به عمل از نوعی مشخص (بالدوین، ۱۹۰۱). به اعتقاد توماس مفهوم چند بعدی از نگرش که شامل بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است مقبول‌ترین مفهوم برای تعریف نگرش است. بنابراین نگرش نشان‌دهنده‌ی اثر شناختی و عاطفی به‌جای گذاشته شده تجربه فرد از شیء یا موضوع اجتماعی مورد نگرش و یک تمایل به پاسخ در برابر آن شیء است (توماس، ۱۹۷۱ به نقل از کریمی، ۱۳۸۵: ۸). از نظر الپورت، نگرش حالت درونی و آمادگی است به‌جای اینکه علنی و

عملی باشد. یعنی نگرش رفتار نیست بلکه پیش شرط رفتار است. نگرش ممکن است به صورت تمام درجات آمادگی از پنهانی ترین و مسکوت ترین رد عادات فراموش شده گرفته تا تنش یا جنبشی که فعالانه تعیین کننده یک رشته رفتارهای در حال به ظهور رسیدن ما باشد (الپورت، ۱۹۳۹ به نقل از کریمی، ۱۳۸۵: ۷-۸).

مانه‌ایم معتقد است واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه و یک نسل و یا یک گروه نسلی به افراد متعلق به این مقولات موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی می‌دهد. پهنه‌ی تجربه بالقوه آن‌ها را به یک صورت خاصی محدود می‌سازد و آن‌ها را به یک شیوه‌ی فکری و تجربه‌ی خاص و یک نقش تاریخی و ویژگی‌ی این موقعیت متمایل می‌گرداند (کوزر، ۱۹۹۴: ۵۶۹) وی بر این باور بود که نه تنها جهت‌گیری‌های بنیادی ارزش‌گذاری‌ها و محتوای افکار بلکه شیوه‌ی بیان یک مسئله و نوع رهیافت و حتی مقولاتی که تجارب ما را بسته بندی می‌کنند و سر و سامان می‌دهند نیز بر حسب پایگاه اجتماعی مشاهده‌گر تغییر پذیرند. مانه‌ایم به فراسوی آنچه که خود مفهوم خاص ایدئولوژی می‌خواند راه برده است. همان مفهومی که تنها جنبه‌های خاصی از یک اظهار را موشکافی می‌کند تا امکان متعصبانه بودن آن را در نظر بگیرد. او با فراگذشتن از این مفهوم به یک مفهوم کلی رسیده بود که بنا به آن همه شیوه‌های فکری و صورت‌ها و محتواهای شان به شکلی وابسته به پایگاه اجتماعی مدافعان‌ها در نظر گرفته می‌شوند (کوزر، ۱۹۹۴: ۵۶۹). از دید مانه‌ایم و جامعه‌شناسی شناخت عوامل مختلفی نظیر گروه‌هایی که خود به آن تعلق دارد نظام سیاسی حاکم بر جامعه اوضاع فرهنگی پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد بر اندیشه او تأثیر گذار هستند (کوزر، ۱۹۹۴: ۵۶۸).

فیش باین و ایزن در پی یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار به نقش نگرش اشاره می‌کنند. به نظر آن‌ها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه‌ی ما قبل بروز رفتار " قصد و نیت " به انجام یک رفتار است که تابع دو عامل زیر است: اول. نگرش نسبت به آن رفتار: این عامل که یک متغیر فردی به شمار می‌رود به طور عمده مربوط به ارزیابی خوب یا بد نسبت به یک رفتار است.

دوم. هنجار ذهنی: این عامل بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص برای انجام یک رفتار تحت تأثیر آن است. میزان تأثیر هر یک از این دو عامل در به وجود آمدن قصد و نیت متفاوت بوده و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد بنابراین گاهی ممکن است تأثیر گرایش بیشتر باشد و گاهی هم تأثیر هنجار ذهنی. نگرش به نوبه خود تابع دو عامل دیگر است که عبارت است از انتظار فایده و ارزیابی فایده. انتظار فایده به معنی آن است که یک شخص تا چه اندازه از یک پدیده انتظار فایده دارد که این خود تحت تأثیر عواملی چون سروکار داشتن یک پدیده یا درک اهمیت آن می‌باشد. در ارزیابی فایده فرد یک پدیده را از جهت اینکه برای او فایده داشته یا خیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

علاوه بر این هنجار ذهنی نیز منعکس کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی بر روی یک شخص برای انجام یک رفتار است. به این معنا که فرد به آن توجه دارد که تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد و گروه‌های خاصی قرار خواهد گرفت. این افراد و گروه‌ها در واقع نقش یک مرجع هدایت کننده‌ی رفتار را دارند که پدر و مادر دوستان نزدیک همکاران و یا شخصیت‌های مورد احترام فرد باشند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۰).

طلاق

ساروخانی طلاق را عبارت می‌داند از انحلال قانونی پیوندهای زناشویی که با تصمیم یک جانبه یکی از زوجین و یا با مراجعه به مراجع شرعی و قانونی صورت می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۰۳). ساروخانی معتقد است که طلاق مهم ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده است، این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و اضلاع جامعه انسانی است: اول اینکه: طلاق یک پدیده روانی است، زیرا نه تنها بر تعادل روانی دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیک آنان نیز تأثیر می‌گذارد. دوم اینکه: پدیده‌ای است اقتصادی، چرا که به گسست خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی منجر می‌گردد و آثار نامطلوبی در حیات اقتصادی آنان را نیز فراهم می‌سازد. سوم اینکه: طلاق پدیده‌ای است که بر کمیت و کیفیت جمعیت یک جامعه

اثر می‌گذارد چون طلاق تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را متزلزل و از هم می‌پاشاند در نتیجه تأثیر مستقیمی بر کمیت جمعیت یک جامعه می‌گذارد و از طرفی دیگر بر کیفیت جمعیت نیز اثر دارد چون موجب می‌شود فرزندان محروم از ارزش‌ها و نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردند. چهارم آنکه: طلاق یک پدیده فرهنگی است به گونه‌ای که طلاق در هر جامعه و هر فرهنگی صبغه‌ای خاص می‌یابد و رنگ جامعه‌ای را می‌پذیرد که در آن شکل گرفته است (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱).

نظریه کرختی وجدان جمعی و تسری طلاق

جایی که در درون شبکه ارزش‌های اجتماعی طلاق چندان مطلوب نیست و طلاق کاملاً عادی و طبیعی تلقی می‌شود شمار آن روبه فزونی می‌گذارد و همانند نوعی بیماری همه‌گیر اجتماعی در می‌آید. وجدان جمعی که از نظر دورکیم به عنوان سرچشمه ارزش‌ها شناخته می‌شود میتواند دو موضع افراطی یابد:

- نفی مفرط: که طلاق را به شدت نکوهش می‌کند و طلاق را به عنوان کابوس روابط اجتماعی قلمداد می‌کند و پیوند زوجیت را اسمانی و غیرقابل گسست می‌خواند. این موضع که حالت افراط گرایانه به خود می‌گیرد باعث پیدایش دو نوع جمعیت (جمعیت واقعی و جمعیت قانونی) را فراهم می‌کند به این معنا که در بعد رسمی و در برابر قانون همه آنان که ازدواج کرده‌اند تا پایان زندگی مزدوج خود، دارای خانواده به حساب می‌آیند و در صورتی که در عمل این چنین نیست. بسیاری از زوجین جدا از یکدیگر به سر می‌برند بدون اینکه وضعیت مشخصی داشته باشند یا وضع فرزندان آنان به درستی مشخص شده باشند. در این دیدگاه طلاق به طرد اجتماعی منجر می‌گردد.
- پذیرش مفرط: این وضعیت مربوط به زمانی است که جامعه طلاق را چنان عادی و معمول می‌داند که اصولاً زندگی با یک همسر برای مدتی چند شرم‌آور و خجالت‌آور شناخته می‌شود. پس طلاق و جدایی افزایش می‌یابد و همانند یک بیماری همه‌گیر تمام جامعه را در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲۷-۱۳۱)

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر (و نوع این پیوندها و ارتباطات) می‌توانند به دست آورند (بوردیو، ۱۹۸۶، کلمن، ۱۹۸۸، پاتنام، ۱۹۹۳ به نقل از شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۱). پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی، محصول روابط اجتماعی است و معمولاً به سرمایه اجتماعی به عنوان یک خیر جمعی و خصوصی نیز نگریسته می‌شود چرا که سرمایه اجتماعی هم به نفع به وجود آورنده آن است و هم به نفع دیگران و بنابراین نمی‌توان امتیازات سرمایه اجتماعی را محدود کرد (پاتنام، ۲۰۰۰).

از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی شامل هنجارها و شبکه‌های جامعه مدنی است که کنش‌همیاری را در میان شهروندان و نهادهای آنان تسهیل می‌کند، به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی است که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌کند و به نهادهای اجتماعی اجازه تولید بیشتر می‌دهد. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌طور همزمان یک کالای خصوصی و یک کالای عمومی باشد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۰). سه مفهوم اساسی شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، سه پایه اصلی سرمایه اجتماعی نزد پاتنام را تشکیل می‌دهند (محمدی، ۱۳۸۴: ۶۳). از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه‌ها، به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای موجود است. پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف می‌داند. تأکید عمده وی بر مفهوم «اعتماد» بوده و به زعم وی، همین عامل بود که می‌توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی شود، بنابراین، اعتماد، منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان اندازه توسعه اجتماعی و رشد سیاسی بیشتر خواهد بود (الوانی، سید نقوی، ۱۳۸۱: ۶). اما بعدها او اعتماد را به تنهایی کافی ندانسته و معتقد بود که مردم با هم داد و ستدی کنند

که بر مبنای اعتماد باشد. یعنی اگر اعتماد، به عمل اجتماعی و داد و ستد منتهی نشود واجد معانی سرمایه ای نیست. اعتماد باید به تماس و رابطه - منجر شود.

پاتنام بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجار عمل متقابل، داوطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع سرمایه و اساسا اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی کنش جمعی نیست بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش اجتماعی را حل می‌کند (cusack.1998:398).

سرمایه فرهنگی

مفهوم سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادت‌ها و طبع‌های فرهنگی از جمله دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی دلالت می‌کند. به نظر بوردیو سرمایه فرهنگی تعیین‌کننده‌ی سطح پرستیژ فرهنگی و سطوح مختلف ساختار طبقاتی در جامعه است. افراد همیشه توسط ترکیبی از دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی رتبه بندی می‌شوند، این محیط‌ها به لحاظ سطح و گستره‌ی فرهنگی از همدیگر متمایز می‌گردند به‌صورتی که در درون هر محیط رتبه‌ی بالاتر دارای فرهنگی با پرستیژ بالاتر است و همین امر سبب تسلط و مشروعیت سلطه‌ی صاحبان سرمایه فرهنگی می‌شود (بوردیو، ۲۰۰۱). بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی شکلی از سرمایه‌ی ارزشی و فرهنگ برجسته‌ی طبقات بالاست که متفاوت از سرمایه اقتصادی و اجتماعی است، اما در نهایت به هر دوی آن‌ها قابلیت تبدیل دارد. انتقال سرمایه اقتصادی از نسلی به نسل دیگر و از طریق ارث و میراث صورت می‌گیرد، درحالی‌که انتقال سرمایه فرهنگی پیچیده‌تر است (تیلور، ۱۹۹۷). بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی به سه صورت خود را نشان می‌دهد:

الف) سرمایه فرهنگی مجسم یا تجسم یافته

ساریسکنو سرمایه فرهنگی تجسم یافته را که مشتمل بر ویژگی‌های آگاهانه‌ی اکتسابی و ارثی منفعل است، تعریف می‌کند نظیر: ذائقه‌ها، زبان و الگوهای ارتباطی و رفتاری که در جریان اجتماعی شدن فرد و در طول زمان به دست می‌آید (ساریسکنو، ۲۰۱۴). این نوع سرمایه فرهنگی با شخص که فرد در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد. سرمایه تجسم یافته، نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرد درآمده است، این همان بخشی است که بوردیو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل کرد، در واقع این نوع سرمایه به صورت‌آبادگی‌های مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد (شارع پور، ۱۳۹۲).

سرمایه فرهنگی مجسم، در حالت بنیادین خود با کالبد مرتبط بوده و مستلزم تجسد است. تجسد بخشیدن به صورت جزئی از کالبد در آمدن، به کالبد پیوستن و جزئی از آن شدن است. این سرمایه تجسد یافته که به جزء جدانشدنی وجود شخص تبدیل شده است را نمی‌توان فوراً (برخلاف پول و القاب اشرافی) با هدیه یا خرید یا مبادله انتقال داد. این نوع سرمایه را نمی‌توان فراتر از ظرفیت‌های متناسب با یک فرد انباشت کرد بلکه برعکس به همراه حامل‌های خود (ظرفیت بیولوژیکی اش، حافظه اش و ...) رو به نابودی می‌رود و می‌میرد. به دلیل اینکه سرمایه تجسم یافته از راه‌های گوناگونی با شخص (به لحاظ قرابت زیست‌شناختی اش) پیوند دارد، در معرض انتقال وراثتی است که همواره پنهان است. در نتیجه این نوع سرمایه موفق می‌شود شان و ویژگی‌های ذاتی را با فضیلت‌های اکتسابی در هم آمیزد و از آنجا که شرایط اجتماعی انتقال و استحصالش در مقایسه با شرایط سرمایه اقتصادی مستترتر هستند. بنابراین پیشاپیش آماده است تا همچون سرمایه نمادین عمل کند یعنی به عنوان سرمایه محسوب و مطرح نشود، بلکه به عنوان صلاحیتی مشروع و در مقام نوعی اقتدار شناخته شود که تأثیری به صورت عدم شناخت اعمال می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۳۷-۱۴۰).

ب) سرمایه فرهنگی عینیت یافته

این نوع سرمایه یکی از بدیهی ترین و عینی ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار گوناگون جامعه است. سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیای مادی، رسانه‌ها مانند نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به طور کلی در مادیت آن قابل انتقال است. بنابراین کالاهای فرهنگی را هم می‌توان به صورت مادی (منجر به سرمایه اقتصادی می‌شود) تخصیص داد و هم بصورت نمادی (که منجر به سرمایه فرهنگی می‌شود). (شارع پور، ۱۳۹۲). سرمایه فرهنگی عینی در واقع دسترسی فرد به منابع فرهنگی را آسان و بیشتر می‌کند و دشواری های یادگیری را کمتر می‌کند، همچنین این نوع سرمایه به کودک القاء می‌کند که برخوردار از این نوع کالاها (فرهنگی عینی یافته) واجد ارزش های بسیار است (حقیقتیان، ۱۳۹۳).

منظور از سرمایه فرهنگی عینیت یافته، سرمایه ای است که به صورت کالاهای فرهنگی همچون تصاویر، کتاب، کامپیوتر و هنر بروز می‌کند (رافائل، ۲۰۰۴: ۲).

سرمایه عینیت یافته، شکل دیگری از سرمایه فرهنگی مطرح شده توسط بورديو است. دستیابی این بخش از سرمایه فرهنگی در گرو وجود و حضور سرمایه فردی است. آثار نقاشی مجسمه سازی و هر آنچه که از دایره ذهنیات به واقعیت و عینیات راه یابد در این حوزه جای می‌گیرد. میزان، وسعت و تنوع تولیدات فرهنگی در این جایگاه می‌تواند مورد تبادل و مبادله اقتصادی قرار گیرد. بنابراین جهت دستیابی به این حوزه داشتن پول و سرمایه کفایت می‌کند و محل شکل‌گیری و خواستگاه این بخش در اجتماع و در بین گروه است، چراکه هیچ هنرمندی بدون حضور و توجه تماشاگر به ارائه هنر نمی‌پردازد. سرمایه فرهنگی که به شکل اشیای مادی و رسانه‌هایی چون نوشته‌ها نقاشی‌ها بناهای تاریخی و ابزارها عینیت پیدا می‌کند، در حالت مادیت خود قابل انتقال اند. بنابراین کالاهای فرهنگی را می‌توان هم بصورت مادی (که مستلزم سرمایه اقتصادی است) و هم بصورت نمادین (که نیازمند سرمایه فرهنگی است) به تملک درآورد (رافائل، ۲۰۰۴).

ج) سرمایه فرهنگی نهادینه شده

این نوع سرمایه فرهنگی، به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عناوین، برای افراد کسب موقعیت می‌کند مانند مدرک تحصیلی، گواهی نامه حرفه و کار، این نوع سرمایه نیز قابل واگذاری و انتقال نیست و به دست آوردن آن برای افراد به شرایط معین بستگی دارد. بورديو می‌افزاید که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود، سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود سرمایه اقتصادی را به وجود بیاورد (روح الامینی، ۱۳۶۸: ۱۱۷ به نقل از صالحی، ۱۳۹۰).

سرمایه فرهنگی نهادینه شده نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است. مدارک تحصیلی و دانشگاهی نمونه‌ای از این حالت است. این مدارک، نوعی نرخ تبدیل بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی برقرار می‌کند و این کار را از طریق تضمین ارزش مادی برای یک سرمایه تحصیلی معین انجام می‌دهند و از انجایی که منافع مادی و نمادی مدارک تحصیلی بستگی به کمیابی آن‌ها دارد، سرمایه‌گذاری صورت گرفته (به لحاظ تلاش، زمان و پول) ممکن است انگونه که پیش‌بینی می‌شود سودمند نباشد (شارع پور، ۱۳۹۲).

چارچوب نظری پژوهش

با توجه به هدف پژوهش که به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ سال ساکن شهر کرمان اختصاص دارد و با توجه به اینکه نگرش افراد پیش زمینه رفتار آن‌ها محسوب می‌شود، آگاهی و شناخت نگرشهای افراد می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از طلاق ایفا کنند در نتیجه تبیین تأثیر عامل سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش افراد نسبت به طلاق در چارچوب نظری نگرش فیش باین و ایزن و کورت لوین انجام خواهد شد. بر اساس نظریه میدان اجتماعی کورت لوین رفتار تابعی است از شخصیت و محیط، در واقع رفتار عبارت از حرکتی است که از برخورد میان تمامی تعیین کننده های درونی فرد (شخصیت) و تمامی تعیین کننده های بیرونی یا عوامل محیطی (به گونه‌ای که فرد آن‌ها را درک کرده) ناشی می‌شود. در صورتی که اطلاعات ما از همه اجزای این قاعده به جز یکی کامل باشد، می‌توانیم متغیری را که ناشناخته است پیش‌بینی

کنیم (هرگنهان و السون، ۲۰۰۴). بنابه نظر لوین متغیرهای موقعیتی و هنجارها اغلب میان نگرش و رفتار مداخله می‌کنند. تفاوت بین نگرش و رفتار هر کس ممکن است از آن جهت به وجود آید که فشارهای اجتماعی او را وادار می‌کند نوع خاصی از رفتار را در پیش گیرد (هرگنهان و السون، ۲۰۰۴). همان طور که کورت لوین متغیرهای موقعیتی و هنجارها را به عنوان متغیرهای مداخله گر در تحقق نگرش به رفتار تأثیرگذار می‌داند (هرگنهان و السون، ۲۰۰۴). فیش باین و ایزن نیز به عوامل زمینه ای و ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری نگرش به سوی رفتار و همچنین هنجارهای ذهنی اشاره دارند (علوی تبار، ۱۳۷۹). در واقع فیش باین و ایزن در پی یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار به نقش نگرش اشاره می‌کنند. به نظر آن‌ها رفتار در پی زنجیره ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه ی ما قبل بروز رفتار "قصد و نیت" به انجام یک رفتار است که تابع دو عامل زیر است:

۱. نگرش نسبت به آن رفتار: این عامل که یک متغیر فردی به شمار می‌رود به‌طور عمده مربوط به ارزیابی خوب یا بد نسبت به یک رفتار است.

۲. هنجار ذهنی: این عامل بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص برای انجام یک رفتار تحت تأثیر آن است. میزان تأثیر هر یک از این دو عامل در به وجود آمدن قصد و نیت متفاوت بوده و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد بنابراین گاهی ممکن است تأثیر نگرش بیشتر باشد و گاهی هم تأثیر هنجار ذهنی. نگرش به نوبه خود تابع دو عامل دیگر است که عبارت است از انتظار فایده و ارزیابی فایده. انتظار فایده به معنی آن است که یک شخص تا چه اندازه از یک پدیده انتظار فایده دارد که این خود تحت تأثیر عواملی چون سروکار داشتن یک پدیده یا درک اهمیت آن می‌باشد. در ارزیابی فایده فرد یک پدیده را از جهت اینکه برای او فایده داشته یا خیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

علاوه بر این هنجار ذهنی نیز منعکس کننده ی نفوذ و فشار اجتماعی بر روی یک شخص برای انجام یک رفتار است. به این معنا که فرد به آن توجه دارد که تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد و گروه‌های خاصی قرار خواهد گرفت. این افراد و گروه‌ها در واقع نقش یک مرجع هدایت کننده ی رفتار را دارند که پدر و مادر دوستان نزدیک همکاران و یا شخصیت های مورد احترام فرد باشند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۰). روانشناسان اجتماعی بر روی یک تعریف سه عنصری نگرش اتفاق نظر دارند. عنصر اول عنصر شناختی است که شامل اعتقادات و باورهای یک فرد درباره یکه شی - یک پدیده یا اندیشه است. عنصر دوم عنصر عاطفی است که شامل احساسات و عواطف افراد نسبت به موضوعات و پدیده‌های اطراف خود می‌باشد. عنصر سوم عنصر رفتاری است که شامل تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به یک موضوع یا یک شی به شیوه‌های خاص (کریمی، ۱۳۸۰: ۲۲۷-۲۲۸).

سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی افراد یک جامعه می‌تواند به‌عنوان متغیر موقعیتی و هنجارها در تبیین نگرش به طلاق مؤثر باشد. سرمایه اجتماعی سرمایه و منبعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند بدست آورند. بر اساس تعریف بورديو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده تر عضویت در یک گروه است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۳۱). رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را شامل هنجارها و شبکه‌های جامعه مدنی می‌داند که کنش همیاری را در میان شهروندان و نهادهای آنان تسهیل می‌کند، به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی است که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌کند و به نهادهای اجتماعی اجازه تولید بیشتر می‌دهد. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی می‌تواند به‌طور همزمان یک کالای خصوصی و یک کالای عمومی باشد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۰). سه مفهوم اساسی شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، سه پایه اصلی سرمایه اجتماعی نزد پاتنام را تشکیل می‌دهند (محمدی ۱۳۸۴: ۶۳). از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه‌ها، به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای موجود است. پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های مختلف می‌داند. پاتنام، سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند:

الف - شبکه‌ها: پاتنام مانند دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی و تمایلات افراد با یکدیگر را بنیادی ترین جزء سرمایه اجتماعی و در واقع ایده مرکزی تئوری های سرمایه اجتماعی معرفی می کند. او شبکه‌ها را خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد و هنجارهای همیاری می داند. پاتنام در مورد خصوصیات شبکه‌ها به دو خصوصیت بسیار مهم تأکید می کند:

۱- ساخت شبکه‌ها: از نظر پاتنام، اگر چه شبکه‌ها در تمام جوامع وجود دارند ولی همه آن‌ها مورد اعتماد و سازنده‌ی هنجارهای همیاری نبوده و در نتیجه مولد سرمایه اجتماعی نیستند. بعضی از شبکه‌ها اساساً افقی هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می کنند. اما بعضی دیگر از شبکه‌ها عمودی می باشند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به یکدیگر پیوند می دهد (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۶).

۲- فشرده‌گی شبکه: فشرده‌گی یا تراکم شبکه، ویژگی است که پاتنام بر آن تأکید دارد هر چه این شبکه‌ها در جامعه فشرده تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. منظور از فشرده‌گی، افزایش انجمن‌ها و امکان عضویت متداخل و مشارکت در عرصه های چندگانه زندگی اجتماعی است (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۹۶).

ب- هنجارهای همیاری: پاتنام نوع خاصی از هنجارهای همیاری را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می داند و حتی آن را ملاک سرمایه اجتماعی قلمداد می کند: «ملاک سرمایه اجتماعی، اصل همیاری تعمیم یافته است، من اکنون این کار را برای شما انجام می دهم، بی آنکه چیزی فورا در مقابل، انتظار داشته باشم و شاید حتی بی آنکه شما را بشناسم، با این امید که در طول راه، شما با دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام ۲۰۰۰: ۱۳۴). پاتنام در تعریف هنجارهای همیاری، به دو نوع متوازن و تعمیم یافته، اشاره می کند. در نوع متوازن یا مبادله هم زمان، با چیزهایی با ارزش برابر، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل شان را با هم عوض می کنند، مواجه هستیم. اما در نوع تعمیم یافته، روابط تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است، اما انتظارات متقابلی ایجاد می کند، مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده باز پرداخت گردد.

ج- اعتماد: یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام، اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری این تقویت همکاری است که حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران بوده و در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می شود، اما در جوامع بزرگ تر و پیچیده تر یک اعتماد غیر شخصی تر با شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می یابد (پاتنام ۱۳۸۰: ۲۹۲). پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد، به سه نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی با اعتماد عمقی و اعتماد سطحی گسترده اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی، بعضاً اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می شود. برای جامعه سودمندتر می داند. به نظر پاتنام این نوع اعتماد شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می شناسیم فراتر می برد و همکاری گسترده تر در سطح جامعه را موجب می گردد» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۶). پاتنام بیان می دارد که سرمایه اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوندهای خانوادگی، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجار عمل متقابل، داوطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌ها، منابع سرمایه و اساساً اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی کنش جمعی نیست بلکه هنجارها و ضمانت‌های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه‌های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش اجتماعی را حل می کند. شبکه‌های تعهد مدنی (گروه‌های موسیقی، انجمن‌های تعاونی، کلوب‌های ورزشی و ...) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند چرا که آن‌ها تقویت کننده مؤثر هنجارهای عمل متقابل هستند.

بورديو سرمایه رابه سه نوع تقسيم می کند و آنها رابه شرح زیر توصيف می نماید:

۱. سرمایه اقتصادی: که قابل تبدیل شدن به پول است و می تواند به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود
۲. سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی شکل گرفته از طریق شرایط خانوادگی و آموزش مدرسه ای، که میتواند تا حدی مستقل از دارایی های مادی عمل کند. شامل آشنایی با فرهنگ جامعه، توانایی فهم آن و استفاده از آن.
۳. سرمایه اجتماعی: شامل روابط مبتنی بر اعتماد و معامله به مثل در شبکه های اجتماعی می باشد. به عبارت دیگر مجموعه ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (فیلد، ۲۰۰۹).

مفهوم سرمایه فرهنگی از نظر بورديو به مجموعه ای از توانمندی ها، عادت ها و طبع های فرهنگی از جمله دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی دلالت می کند. به عبارت دیگر بورديو سرمایه فرهنگی را دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد می داند که در جریان اجتماعی شدن در او انباشته می شود و مهارت های رسمی و غیررسمی شامل عادت ها، روش ها و سلیق، سبک زندگی افراد، شبکه ساختاری، مدارک تحصیلی، کیفیت تحصیلی افراد و گرایش آنان به جمع آوری محصولات فرهنگی و هنری نیز از شاخص های سرمایه فرهنگی به شمار می روند (بورديو، ۲۰۰۱: ۲۴۳-۲۴۷). از نظر بورديو سرمایه فرهنگی تعیین کننده ی سطح پرستیژ فرهنگی و سطوح مختلف ساختار طبقاتی در جامعه است. افراد همیشه توسط ترکیبی از دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی رتبه بندی میشوند، این محیط ها به لحاظ سطح و گستره ی فرهنگی از هم دیگر متمایز می گردند به صورتی که در درون هر محیط رتبه ی بالاتر دارای فرهنگی با پرستیژ بالاتر است و همین امر سبب تسلط و مشروعیت سلطه ی صاحبان سرمایه فرهنگی می شود (بورديو، ۲۰۰۱). بورديو معتقد است که سرمایه فرهنگی شکلی از سرمایه ی ارزشی و فرهنگ برجسته ی طبقات بالاست که متفاوت از سرمایه اقتصادی و اجتماعی است، اما در نهایت به هر دوی آنها قابلیت تبدیل دارد. انتقال سرمایه اقتصادی از نسلی به نسل دیگر و از طریق ارث و میراث صورت می گیرد، در حالی که انتقال سرمایه فرهنگی پیچیده تر است (تیلور، ۱۹۹۷).

بورديو معتقد است که سرمایه فرهنگی در درون یک فضای اجتماعی پخش شده است و سپس به وسیله میراث، انتقال یافته و در نهایت به صورت فرهنگ سرمایه گذاری می گردد (jenks.1993: 12).

از نظر بورديو سرمایه فرهنگی به سه حالت ممکن است وجود داشته باشد:

۱. سرمایه فرهنگی تجسم یافته: این نوع سرمایه فرهنگی مشتمل بر ویژگی های آگاهانه ی اکتسابی و ارثی منفعل که شیوه های وجودی و احساس را متمایز می سازد، مانند: زبان دانته، الگوهای ارتباطات، رفتار و غیره. انواع سرمایه در طی زمان و از طریق اجتماعی شدن کسب می شود (ساریسکنو، ۲۰۱۴).
۲. سرمایه فرهنگی عینیت یافته: اشیای مادی، کالاهای فرهنگی و رسانه هایی مانند نوشته ها، کتاب ها، نقاشی ها و ابزارهای موسیقی جزء سرمایه ی فرهنگی عینیت یافته اند و بهره گیری از این نوع سرمایه وابسته به سرمایه فرهنگی تجسم یافته فرد است (صالحی امیر، ۱۳۹۴).
۳. سرمایه فرهنگی نهادینه شده: عینیت بخشیدن به سرمایه فرهنگی از طریق مدارک دانشگاهی و تحصیلی است که خارج از دارایی های مادی و عینی فرهنگی، سرمایه تجسم یافته بیولوژیکی واقعیت پیدا می کند. این کار از طریق کسب عناوین تحصیلی صورت می گیرد که به صورت قانونی و نهادی تأیید شده است (صالحی امیر، ۱۳۹۴).

در مجموع در نتیجه گیری از چارچوب نظری و پیشینه تجربی بایستی گفت که نگرش افراد نسبت به طلاق متأثر از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بیشماری است که به واسطه نظریه های مختلف مدل سازی شده اند اما آنچه که در این پژوهش در تبیین نگرش افراد نسبت به طلاق مورد نظر است سرمایه اجتماعی و فرهنگی است که سرمایه اجتماعی در قالب مؤلفه های اعتماد

اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی نیز در قالب تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش

از آنجا که روش پژوهش و پژوهش ارتباط نزدیک و مستقیم با موضوع پژوهش دارد و باید بر اساس نیاز پژوهش یکی از روشهای پژوهشی را انتخاب کنیم لذا در این پژوهش از روش پیمایش (Survey) استفاده شده است. علت این انتخاب، کارآمدی این شیوه در گردآوری داده‌ها، منتظم ساختن آن‌ها و امکان عملیات آماری بر روی آن اطلاعات و همچنین مساعد بودن این روش نسبت به تحلیل دقیق بوده است. بنابراین در این پژوهش، روش پیمایش با دو هدف توصیف و تبیین مورد استفاده قرار خواهد گرفت که در سطح توصیف، هدف نشان دادن تصویری از شرایط با پدیده‌های مورد بررسی برای شناخت بیشتر شرایط موجود در نمونه می‌باشد. در سطح تحلیل، هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته و تلاش برای تبیین تغییرات یا واریانس متغیر وابسته با توجه به متغیرهای مستقل است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان می‌باشند که جمعیت آنان در سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۰۳۳۰۳ نفر بوده است. همچنین بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد، که با توجه مقتضیات روش نمونه‌گیری، حجم نمونه را ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

فرمول کوکران:

$$n = \frac{t^2 \cdot p \cdot q}{1 + \frac{1}{N} (t^2 \cdot p \cdot q - 1)}$$

n = حجم نمونه مورد نظر

P = درصد وجود صفت مورد نظر: 0/5

q = درصد عدم وجود صفت مورد نظر: 0/5

t = میزان دقت احتمالی: 1/96

d = نصف فاصله اطمینان: 5%

N = تعداد کل افراد: ۳۰۳۳۰۳ نفر

$$n = \frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} = 384/99$$

$$1 + \frac{1}{303303} + \left(\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)$$

نمونه‌های مورد نظر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که در مرحله اول نمونه‌گیری، از بین مناطق چهارگانه شهر کرمان، دو منطقه به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند (یعنی مناطق ۱ و ۳). و در مرحله دوم نمونه‌گیری، مراکز آموزشی (دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی)، مراکز اداری (سازمانها و ادارات دولتی)، مراکز اقتصادی (بازار و بنگاههای تجاری) مراکز تفریحی و فرهنگی (کتابخانه‌های عمومی و پارک‌ها و شهر بازی‌ها) و مراکز مسکونی (منزل مسکونی) که در مناطق ۱ و ۳ قرار داشتند مشخص و انتخاب شدند و در مرحله سوم نمونه‌گیری، دقیقاً ۴۰۰ عدد پرسشنامه بین افراد

۲۱-۵۰ سال که در مراکز مذکور فعالیت و سکونت داشتند توزیع شد. و پرسشنامه‌ها بعد از تکمیل و پاسخگویی توسط افراد مذکور توسط پژوهشگر جمع‌آوری شدند. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. برای حصول اطمینان از اعتبار محتوای پرسشنامه ابتدا مطالعات نظری انجام شد و سپس از اساتید راهنما، مشاور و سایر اساتید متخصص نظرسنجی صورت گرفت و در نهایت با استفاده از آزمون آفای کرونباخ پایایی پرسشنامه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. آزمون‌های آفای کرونباخ، یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه‌ها می‌باشد. مقدار آفای کرونباخ بین صفر تا ۱ نوسان دارد. در صورتی که مقدار آن نزدیک به ۱ باشد بیانگر دقت در ابزار اندازه‌گیری و هماهنگی درونی گویه‌ها با متغیر مورد نظر است و ابزار اندازه‌گیری نیز به همان نسبت دارای روایی بالا خواهد بود، و برعکس اگر مقدار آن نزدیک به صفر باشد، نشانگر عدم دقت و تکرار پذیری ابزار اندازه‌گیری است.

جدول (۱): سنجش آفای کرونباخ مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	آفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)	اعتماد اجتماعی	۲۷	۰/۸۹۴
	عضویت اجتماعی	۱۵	۰/۹۶۲
	مشارکت اجتماعی	۱۵	۰/۷۶۴
سرمایه فرهنگی (متغیر مستقل)	تجسم یافته	۱۴	۰/۸۳۰
	عینیت یافته	۱۱	۰/۸۸۵
	نهادینه شده	۱۳	۰/۸۴۳
نگرش به طلاق (متغیر وابسته)	شناختی عاطفی رفتاری	۴۳ (مجموع)	۰/۷۶۲

فنون مورد استفاده در

تجزیه و تحلیل

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از نرم SPSS ورژن ۲۲ استفاده شد. علاوه بر این، در این پژوهش اطلاعات گردآوری شده در دو سطح توصیفی و تبیینی با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در توصیف داده‌ها ابتدا از جداول یک بعدی و شاخص‌های پراکندگی و مرکزی به تناسب مقیاس متغیرها استفاده شد. در سطح دوم نیز بر اساس فرضیه‌ها و متغیرهای تشکیل دهنده آن‌ها با استفاده از آمار استنباطی آزمون‌های آماری اطلاعات تبیین شدند.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت به بررسی و آزمون فرضیات، روابط دوگانه و چندگانه متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود.

آزمون‌های استنباطی

فرضیه اول: بین میزان سرمایه اجتماعی افراد با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 بین سرمایه اجتماعی با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین سرمایه اجتماعی با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۲): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه اجتماعی و نگرش به طلاق

متغیر	مقدار r	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۰/۴۵۹	۰/۰۰۴

نتایج جدول ۲ آزمون همبستگی پیرسون رابطه متغیر مستقل یعنی سرمایه اجتماعی را با متغیر وابسته نشان می‌دهد، همانطور که در جدول مشاهده می‌گردد، مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = 0/459$ است و سطح معناداری برابر با $Sig = 0/004$ می‌باشد که در

سطح ۰/۹۵. رابطه معناداری بین دو متغیر مشاهده می‌گردد، بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی افراد، نگرش مثبت آنان نسبت به طلاق نیز افزایش خواهد یافت، بنابراین فرض صفر یعنی عدم رابطه رد، و فرض یک، یعنی وجود رابطه تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم: بین میزان سرمایه فرهنگی با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 بین سرمایه فرهنگی افراد با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین سرمایه فرهنگی افراد با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۳): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به طلاق

متغیر	مقدار r	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	۰/۹۵۱	۰/۰۰۳

نتایج جدول ۳ آزمون همبستگی پیرسون رابطه متغیر مستقل یعنی سرمایه فرهنگی کل را با متغیر وابسته نشان می‌دهد، همانطور که در جدول مشاهده می‌گردد، مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = ۰/۹۵۱$ می‌باشد و سطح معناداری نیز برابر با $\text{Sig} = ۰/۰۰۳$ است که در سطح ۰/۹۵. رابطه معناداری بین دو متغیر مشاهده می‌گردد، به این معنا که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد نگرش مثبت آنان نسبت به طلاق نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرض صفر یعنی عدم رابطه رد، و فرض یک، یعنی وجود رابطه تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم: بین سن و نگرش به طلاق در بین افراد ۲۱-۵۰ ساله ساکن شهر کرمان رابطه وجود دارد.

H1 بین سن افراد و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.

H0 بین سن افراد و نگرش به طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول (۴): آزمون رابطه همبستگی سن افراد و نگرش به طلاق

متغیر	مقدار r	سطح معناداری
سن و نگرش به طلاق	-۰/۰۴۰	۰/۴۳۱

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، ضریب همبستگی پیرسون برابر با $-۰/۰۴۰$ است و سطح معناداری نیز برابر با $۰/۴۳۱$ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار بالاتر از $۰/۰۰۵$ می‌باشد، بدین معناست که همبستگی معناداری بین سن افراد و نگرش مثبت به طلاق وجود ندارد. یعنی با افزایش سن افراد تغییری در نگرش آنان نسبت به طلاق ایجاد نمی‌شود. بنابراین H1 که بیانگر وجود رابطه است رد می‌گردد و H0 یعنی عدم رابطه تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین جنسیت افراد و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 تفاوت معناداری بین واریانس دو گروه مشاهده می‌شود.

H0 تفاوت معناداری بین واریانس دو گروه مشاهده نمی‌شود.

جدول (۵): آزمون دو نمونه‌ای مستقل جنسیت افراد با نگرش به طلاق

جنسیت	فراوانی	میانگین نگرش به طلاق	آزمون آدو نمونه مستقل	
			سطح معنی‌داری	مقدار T
مرد	۲۷۵	۸۸/۳۹	۰/۲۷۸	۰/۰۴۹
زن	۱۲۲	۸۶/۶۰		

بر اساس جدول ۵ آزمون دو نمونه مستقل، چنانچه سطح معناداری آزمون لوین از $۰/۰۰۵$ بزرگ تر باشد در آن صورت فرض H_0 تأیید می‌گردد و چنانچه سطح معناداری این آزمون از $۰/۰۰۵$ کوچک تر باشد در آن صورت فرض H_1 تأیید می‌شود. باتوجه به اینکه سطح معناداری آزمون لوین برابر با $\text{sig} = ۰/۲۷۸$ است، در نتیجه فرض H_0 صفر تأیید می‌شود. همچنین با توجه به نتایج

جدول، مقدار آزمون تی دو نمونه مستقل برابر با $T = -1/979$ است و سطح معناداری برابر با $\text{Sig} = 0/049$ می‌باشد. بنابراین تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نمی‌گردد، فرض صفر تایید می‌گردد و فرض یک رد می‌گردد. نمونه مقدار ۱,۴۹۴

فرضیه پنجم: بین وضعیت تأهل و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 تفاوت معناداری بین واریانس دو گروه مشاهده می‌شود.

H0 تفاوت معناداری بین واریانس دو گروه مشاهده نمی‌شود.

جدول (۶): آزمون تحلیل واریانس بین وضعیت تأهل با نگرش به طلاق

تأهل	فراوانی	میانگین نگرش به طلاق	انحراف معیار	آزمون لوین	
				سطح معناداری	سطح معنی داری
مجرد	۱۵۰	۱۱۸/۰۵۳	۲۷/۴۴۶	۰/۰۰۰	۰/۳۱۱
متأهل	۲۲۸	۱۱۴/۶۷۱	۱۴/۶۷۱		
متارکه	۱۶	۱۱۰/۸۷۵	۹/۶۱۱		
همسرفوت شده	۶	۱۱۸/۳۳۳	۱۲/۶۵۹		
کل	۴۰۰	۱۱۵/۸۴۲	۲۰/۳۲۱		

جدول ۶ آزمون تحلیل واریانس برای متغیر وضعیت تأهل را نشان می‌دهد چنانچه سطح معناداری آزمون لوین از $0/005$ بزرگ تر باشد در آن صورت فرض H_0 تأیید و چنانچه سطح معناداری این آزمون از $0/005$ کوچک تر باشد در آن صورت فرض H_1 تأیید می‌گردد. با توجه به نتایج جدول سطح معناداری آزمون لوین برابر است با $0/000$ است. در نتیجه فرض H_1 یعنی فرض برابری واریانس گروه‌ها تأیید می‌گردد. همچنین با توجه به نتایج جدول، مقدار آزمون F برابر با $F = 1/195$ و سطح معناداری برابر با $\text{Sig} = 0/311$ می‌باشد. بنابراین تفاوت معناداری بین وضعیت تأهل افراد با نگرش به طلاق و با سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. بنابراین فرض صفر، یعنی عدم اختلاف میانگین تأیید و فرض یک یعنی وجود اختلاف میانگین رد می‌گردد.

فرضیه ششم: بین سطح تحصیلات افراد و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون لوین توضیح فرض برابری یا عدم برابری واریانس دو گروه را نشان می‌دهد.

H1 رابطه معناداری بین سطح تحصیلات با نگرش به طلاق وجود دارد.

H0 رابطه معناداری بین سطح تحصیلات با نگرش به طلاق وجود ندارد.

جدول (۷): آزمون تحلیل واریانس سطح تحصیلات افراد با نگرش به طلاق

متغیر سطح تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین Sig	مقدار F	سطح معناداری Sig
بیسواد	۱۲	۱۰۸/۳۳۳	۱۷/۱۲۶	۰/۰۰۴	۲/۶۸۵	۰/۰۱۴
ابتدایی	۱۲	۱۰۲/۰۰۰	۲۰/۸۹۸			
سیکل	۴۰	۱۱۶/۵۲۵	۱۰/۷۲۷			
دیپلم	۴۸	۱۲۲/۸۷۵	۳۰/۶۳۶			
کاردانی	۲۸	۱۲۰/۸۷۵	۲۵/۵۸۳			
کارشناسی	۱۱۶	۱۱۳/۹۶۵	۱۶/۸۷۵			
کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۴۴	۱۱۵/۶۲۵	۱۸/۹۹۰			
کل	۴۰۰	۱۱۵/۸۴۲	۲۰/۳۲۱			

جدول ۷ تفسیر آزمون تحلیل واریانس برای متغیر سطح تحصیلات را نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌گردد چنانچه سطح معناداری آزمون لوین از ۰/۰۰۵ بزرگ تر باشد در آن صورت فرض H_0 تأیید و چنانچه سطح معناداری این آزمون از ۰/۰۰۵ کوچک تر باشد در آن صورت فرض H_1 تأیید می‌گردد. با توجه به مقدار معناداری آزمون لوین که برابر با $\text{sig} = ۰/۰۰۴$ است، بنابراین فرض برابری واریانس ها تأیید می‌گردد. یعنی H_0 رد می‌شود و H_1 تأیید می‌گردد. تفسیر نتیجه آزمون F برابر با $F = ۲/۶۸۵$ است و سطح معناداری برابر با $\text{Sig} = ۰/۰۱۴$ می‌باشد. تفاوت معناداری بین افراد به لحاظ سطح تحصیلات با نگرش منفی یا مثبت به طلاق و با سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد. بنابراین فرض صفر، یعنی عدم اختلاف میانگین رد و فرض یک یعنی وجود اختلاف میانگین تأیید می‌گردد. به این معنا که با افزایش سطح تحصیلات افراد میانگین نگرش مثبت آنان نسبت به طلاق افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه هفتم: نوع شغل و نگرش به طلاق رابطه معناداری مشاهده می‌گردد.

آزمون لوین توضیح فرض برابری یا عدم برابری واریانس دو گروه را نشان می‌دهد.

H_1 بین نوع شغل افراد و میانگین نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H_0 بین نوع شغل افراد و میانگین نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۸): آزمون تحلیل واریانس شغل افراد با نگرش به طلاق

متغیر شغل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین Sig	مقدار F	سطح معناداری
آزاد	۱۷۰	۱۱۷/۴۶۴	۲۱/۶۱۲	۰/۴۷۴	۲/۵۰۵	۰/۰۵۹
دولتی	۱۵۰	۱۱۴/۰۱۳	۱۹/۴۶۹			
دانشجو	۶۶	۱۱۳/۴۵۴	۱۹/۴۱۳			
بیکار	۱۴	۱۲۷/۰۰۰	۱۱/۷۱۴			
کل	۴۰۰	۱۱۵/۸۴۲	۲۰/۳۲۱			

جدول ۸ آزمون تحلیل واریانس برای متغیر شغل افراد و نگرش به طلاق را نشان می‌دهد، همان طور که در جدول مشاهده می‌گردد، سطح معناداری آزمون لوین برابر با $\text{sig} = ۰/۴۷۴$ است که بزرگ تر از ۰/۰۰۵ می‌باشد بنابراین فرض برابری واریانس گروه شغلی رد می‌گردد، همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس F نشان می‌دهد که مقدار آن برابر با $F = ۲/۵۰۵$ است و سطح معناداری برابر با $\text{Sig} = ۰/۰۵۹$ می‌باشد. به این معنا که تفاوت معناداری به لحاظ نوع شغل افراد با نگرش مثبت به طلاق وجود ندارد. بنابراین فرض صفر، یعنی عدم اختلاف میانگین تأیید و فرض یک یعنی وجود اختلاف میانگین رد می‌گردد.

فرضیه هشتم: بین سطح درآمد افراد و نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون لوین توضیح فرض برابری یا عدم برابری واریانس دو گروه را نشان می‌دهد

H_1 بین سطح درآمد افراد با میانگین نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H_0 بین سطح درآمد افراد با میانگین نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۹): آزمون تحلیل واریانس میزان درآمد افراد با نگرش به طلاق

متغیر درآمد	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوین Sig	آزمون F	سطح معناداری
پانصد هزار تا یک میلیون	۸۸	۱۱۸/۶۲۵	۲۹/۲۰۷	۰/۰۰۳	۲/۴۳۲	۰/۰۱۲
یک میلیون تا دو میلیون	۱۱۲	۱۱۶/۸۲۱	۱۵/۸۴۲			
دو تا سه میلیون	۹۸	۱۱۳/۷۵۵	۱۲/۷۶۵			
بیشتر از سه میلیون	۶۶	۱۱۳/۳۹۳	۲۱/۹۱۴			
کل	۴۰۰	۱۱۵/۸۴۲	۲۰/۳۲۱			

جدول ۹ آزمون تحلیل واریانس برای سطح درآمد افراد را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، سطح معناداری آزمون لوین برابر با $\text{Sig} = ۰/۰۰۳$ است که از مقدار $۰/۰۰۵$ کوچک‌تر می‌باشد در این صورت فرض برابری واریانس‌ها تأیید می‌گردد و همچنین تفسیر نتیجه آزمون F برابر با $F = ۲/۴۳۲$ و سطح معناداری برابر با $\text{Sig} = ۰/۰۱۲$ می‌باشد که بیانگر وجود تفاوت معناداری بین سطح درآمد افراد با نگرش مثبت به طلاق و با سطح اطمینان ۹۵٪ است. به این معنا که با افزایش میزان درآمد افراد نگرش مثبت شان نسبت به طلاق افزایش می‌یابد. بنابراین فرض صفر، یعنی عدم اختلاف میانگین رد می‌گردد و فرض یک یعنی وجود اختلاف میانگین تأیید می‌شود.

فرضیه نهم: بین میزان اعتماد افراد و نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 بین میزان افزایش اعتماد با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین افزایش میزان اعتماد با نگرش مثبت به طلاق رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۱۰): آزمون همبستگی پیرسون رابطه میزان اعتماد اجتماعی و نگرش به طلاق

متغیر	۲ مقدار	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	-۰/۰۱۷	۰/۷۳۰

نتایج جدول ۱۰ آزمون همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد. مقدار پیرسون برابر با $r = -۰/۰۱۷$ است و سطح معناداری نیز برابر با $\text{Sig} = ۰/۷۳۰$ می‌باشد. که نشان می‌دهد رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد، به این معنا که با افزایش اعتماد در بین افراد تغییری در نگرش آنان به طلاق ایجاد نخواهد شد. بنابراین فرض یک یعنی وجود رابطه رد می‌شود و فرض صفر یعنی عدم رابطه تأیید می‌گردد.

فرضیه دهم: بین میزان مشارکت افراد و نگرش آنها به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 بین میزان افزایش مشارکت اجتماعی و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین میزان افزایش مشارکت اجتماعی و نگرش به طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول (۱۱): آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین مشارکت اجتماعی با نگرش به طلاق

متغیر	۲ مقدار	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۰/۰۸۸	۰/۰۰۲

نتایج جدول ۱۱ آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه بین متغیر مستقل یعنی مشارکت اجتماعی با متغیر وابسته را نشان می‌دهد، همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = ۰/۰۸۸$ می‌باشد و سطح معناداری نیز برابر با $۰/۰۰۲$ است که بیانگر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر است، بدین معنا که با افزایش میزان مشارکت اجتماعی افراد نگرش مثبت آنان نسبت به طلاق نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرض یک تأیید و فرض صفر یعنی عدم رابطه رد می‌گردد.

فرضیه یازدهم: بین عضویت‌های اجتماعی و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 بین میزان افزایش عضویت اجتماعی با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین میزان افزایش عضویت اجتماعی با نگرش به طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول (۱۲): آزمون رابطه همبستگی بین عضویت اجتماعی با نگرش به طلاق

متغیر	۲ مقدار	سطح معناداری
عضویت اجتماعی	-۰/۰۲۵	۰/۸۳۶

نتایج جدول ۱۲ آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه بین متغیر مستقل یعنی عضویت اجتماعی با متغیر وابسته را نشان می‌دهد، همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = -۰/۰۲۵$ می‌باشد و سطح معناداری نیز برابر با $۰/۸۳۶$

Sig= است که نشان می‌دهد رابطه معناداری بین دو متغیر مشاهده نمی‌شود، بدین معنا که با افزایش میزان عضویت اجتماعی افراد تغییری در نگرش آنان نسبت به طلاق حاصل نمی‌شود. بنابراین فرض یک رد و فرض صفر یعنی عدم رابطه تأیید می‌گردد.

فرضیه دوازدهم: بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.

H1 بین میزان افزایش سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین میزان افزایش سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نگرش به طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول (۱۳): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته و نگرش به طلاق

متغیر	مقدار r	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	-۰/۰۲۳	۰/۶۴۷

نتایج جدول ۱۳ آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه متغیر مستقل یعنی سرمایه فرهنگی تجسم یافته با متغیر وابسته را نشان می‌دهد، همانطور که در جدول مشاهده می‌گردد، مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = -0.023$ است و سطح معناداری برابر با $Sig = 0.647$ می‌باشد که رابطه معناداری را بین دو متغیر نشان نمی‌دهد. بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته‌ی افراد، در نگرش مثبت آنان به طلاق تغییری ایجاد نخواهد شد. بنابراین فرض صفر یعنی عدم رابطه تأیید و فرض یک یعنی وجود رابطه رد می‌گردد.

فرضیه سیزدهم: بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H1 بین میزان افزایش سرمایه فرهنگی عینیت یافته با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین میزان افزایش سرمایه فرهنگی عینیت یافته با نگرش به طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول (۱۴): آزمون رابطه مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی عینیت یافته) با نگرش به طلاق

متغیر	مقدار r	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۹۵۱	۰/۰۰۴

نتایج جدول ۱۴ آزمون پیرسون برای رابطه متغیر مستقل یعنی سرمایه فرهنگی عینیت یافته با متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌گردد مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = 0.951$ می‌باشد و سطح معناداری نیز برابر با $Sig = 0.004$ است که رابطه معناداری را بین دو متغیر نشان می‌دهد. بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی عینی افراد (میزان استفاده از کالاهای فرهنگی)، نگرش مثبت آنها نسبت به طلاق نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرض یک یعنی وجود رابطه تأیید و فرض صفر یعنی عدم رابطه رد می‌گردد.

فرضیه چهاردهم: بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و نگرش به طلاق رابطه وجود دارد.

H1 بین میزان افزایش سرمایه فرهنگی نهادینه شده با نگرش به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

H0 بین میزان افزایش سرمایه فرهنگی نهادینه شده با نگرش به طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول (۱۵): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر سرمایه فرهنگی نهادینه شده با نگرش به طلاق

متغیر	مقدار r	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	-۰/۰۳۴	۰/۵۰۳

نتایج جدول ۱۵ آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه متغیر مستقل یعنی سرمایه فرهنگی نهادینه با متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌گردد مقدار آزمون پیرسون برابر با $r = -0.034$ است و سطح معناداری نیز برابر با $Sig = 0.503$ است که رابطه معناداری بین دو متغیر مشاهده نمی‌گردد. بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی نهادینه شده‌ی افراد، تغییری در نگرش مثبت آنها به طلاق به وجود نمی‌آید. بنابراین فرض صفر یعنی عدم رابطه تأیید می‌گردد و فرض یک رد می‌گردد.

جدول (۱۶): ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

نگرش کل	سرمایه فرهنگی عینی	سرمایه فرهنگی نهادینه	سرمایه فرهنگی تجسمی	سرمایه فرهنگی کل	اعتماد	مشارکت	سرمایه اجتماعی کل
نگرش کل	۰/۹۵۱	۰/۴۷۴	۰/۵۴۷	۰/۹۵۱	۰/۰۱۷	۰/۰۸۸	۰/۴۵۹
سرمایه فرهنگی عینی	۰/۹۵۱	۰/۴۷۴	۰/۵۴۷	۰/۹۵۱	۰/۰۰۴	۰/۱۱۸	۰/۰۷۲
سرمایه فرهنگی نهادینه	۰/۴۷۴	۰/۴۷۴	۰/۴۵۹	۰/۹۵۱	۰/۱۲۴	۰/۱۲۴	۰/۱۷۹
سرمایه فرهنگی تجسمی	۰/۵۴۷	۰/۴۷۴	۰/۴۵۹	۰/۹۵۱	۰/۰۲۰	۰/۰۶۸	۰/۰۵۷
سرمایه فرهنگی کل	۰/۹۵۱	۰/۴۷۴	۰/۵۴۷	۰/۹۵۱	۰/۰۶۵	۰/۱۱۶	۰/۱۲۴
اعتماد	۰/۰۱۷	۰/۰۰۴	۰/۰۲۰	۰/۰۶۵	۱	۰/۰۸۶	۰/۸۰۹
مشارکت	۰/۰۸۸	۰/۱۱۸	۰/۱۲۴	۰/۱۱۶	۰/۰۸۶	۱	۰/۵۱۶
سرمایه اجتماعی کل	۰/۴۵۹	۰/۰۷۲	۰/۱۷۹	۰/۰۵۷	۰/۸۰۹	۰/۵۱۶	۱

بر اساس جدول ۱۶ ماتریس همبستگی سرمایه اجتماعی کل و نگرش به طلاق عدد ۰/۴۵۹ را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی متوسط بین این دو متغیر است. ماتریس همبستگی مشارکت اجتماعی و نگرش به طلاق عدد ۰/۰۸۸ را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی ضعیف بین دو متغیر است. عدد ۰/۹۵۱ نیز ماتریس همبستگی سرمایه فرهنگی کل و نگرش به طلاق را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی قوی بین دو متغیر است. و همین‌طور عدد ۰/۹۵۱ ماتریس همبستگی سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نگرش به طلاق را نشان می‌دهد که بیانگر همبستگی قوی بین دو متغیر است.

یافته‌های توصیفی

نمونه‌های پژوهش، ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر کرمان که در سنین ۲۱-۵۰ سال قرار داشتند، بودند. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای مشخص شدند. که از این تعداد، ۶۸/۸٪ (یعنی ۲۷۵ نفر) را مردان و ۳۱/۳٪ (۱۲۵ نفر) را زنان تشکیل می‌دادند، میانگین سن پاسخگویان برابر با ۳۶ سال بود که حداقل سن برابر با ۲۱ سال و حداکثر سن برابر با ۵۰ سال است. سن ۳۵ سال نیز به عنوان مد و پر تکرارترین سن در بین کل پاسخگویان شناخته شد. سطح تحصیلات پاسخگویان به این صورت بود که، ۳٪ (۱۲ نفر) از پاسخگویان بیسواد بودند. ۳٪ (۱۲ نفر) دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۰٪ (۴۰ نفر) دارای مدرک سیکل، ۱۲٪ (۴۸ نفر) دارای مدرک دیپلم، ۷٪ (۲۸ نفر) دارای مدرک کاردانی بودند. همچنین ۲۹٪ (۱۱۶ نفر) از پاسخگویان در مقطع لیسانس و ۳۶٪ (۱۴۴ نفر) نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر از آن بودند. وضعیت تأهل نمونه‌ها نیز به این صورت بود ۳۷٪ (۱۵۰ نفر) از آن‌ها مجرد و ۵۷٪ (۲۲۸ نفر) متأهل، ۴٪ (۱۶ نفر) متارکه و ۱/۵٪ (۶ نفر) نیز همسر فوت شده، بودند. وضعیت شغلی نمونه‌ها بر اساس یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که ۴۲٪ (۱۷۰ نفر) از پاسخگویان دارای شغل آزاد، ۳۷/۵٪ (۱۵۰ نفر) دارای شغل دولتی، ۱۶/۵٪ (۶۶ نفر) دانشجو و ۳/۵٪ (۱۴ نفر) نیز بیکار و بدون شغل بودند. یافته‌های پژوهش در مورد درآمد نمونه‌ها، بیانگر این بود که ۳۶۴ نفر از پاسخگویان درآمد خود را مشخص کردند و ۹/۵٪ (۳۶ نفر) نیز درآمد خود را اعلام نکردند. که از بین ۳۶۴ نفر ۲۲٪ (۸۸ نفر) دارای درآمد پانصد تا یک میلیون بودند، ۲۸٪ (۱۱۲ نفر) درآمدی بین یک میلیون تا دو میلیون داشتند، ۲۴٪ (۹۸ نفر) دارای درآمدی بین دو تا سه میلیون و ۱۶/۵٪ (۶۶ نفر) نیز درآمدها بیش از سه میلیون بود.

در مورد توصیف متغیر وابسته نگرش به طلاق، این متغیر متناسب با مبانی نظری پژوهش هم تعریف نظری شد و هم تعریف عملیاتی. در قسمت عملیاتی ابتدا مفهوم نگرش به سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم گردید و در تعریف عملیاتی مفهوم طلاق صرفاً فعل طلاق در نظر گرفته شد. در مرحله بعد جهت عملیاتی کردن نگرش به طلاق مجموعاً ۴۲ گویه در سه سطح نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری از پاسخگویان در مورد ماهیت طلاق پرسیده شد و نتایج به دست آمده در سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم گردید. نتایج حاکی از آن بود که ۳٪ از افراد نگرش مثبت شان به طلاق در سطح پایین بود و ۹۷٪ از افراد نگرش مثبت شان

به طلاق در سطح متوسط بود. در مورد شاخص های نگرش نتایج به این صورت بود که ۱٪ افراد نگرش شناختی شان در سطح پایین ۹۲/۹٪ افراد نگرش شناختی شان در سطح متوسط و ۶/۱٪ نیز نگرش شناختی شان در سطح بالا قرار داشت. وضعیت نگرش عاطفی افراد نیز به این صورت می باشد که ۴/۱٪ افراد نگرش عاطفی شان در سطح پایین، ۹۲/۴٪ نگرش عاطفی شان در سطح متوسط و ۳/۶٪ افراد نیز نگرش عاطفی شان در سطح بالا قرار داشت و همچنین نگرش رفتاری افراد نیز به این صورت می باشد که ۶/۱٪ افراد نگرش رفتاری شان در سطح پایین، ۸۸/۳٪ نگرش رفتاری شان در سطح متوسط و ۵/۶٪ نیز نگرش رفتاری شان در سطح بالا قرار داشت.

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از متغیرهای مستقل در این پژوهش، از سه شاخص اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عضویت اجتماعی تشکیل شده است. نتایج پژوهش در مورد شاخص اول سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد به این صورت بود که ۲۸٪ از افراد اعتمادشان در سطح بالا، ۶۷/۱٪ از افراد اعتمادشان در سطح متوسط و ۴٪ از افراد نیز اعتمادشان در سطح پایین بود. شاخص دیگر سرمایه اجتماعی، مشارکت و عضویت اجتماعی بود و نتایج پژوهش در مورد این شاخص ها بیانگر این بود که ۶۶/۷٪ از افراد میزان مشارکت و عضویت اجتماعی شان در سطح متوسط بود، ۳۳/۳٪ از افراد نیز میزان مشارکت و عضویت اجتماعی شان در سطح بالا بوده است.

در مورد سرمایه فرهنگی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای مستقل پژوهش، باید گفت سه شاخص برای تعریف آن در نظر گرفته شده است که عبارتند از سرمایه فرهنگی عینیت یافته، تجسم یافته و نهادینه شده. نتایج پژوهش در مورد شاخص اول سرمایه فرهنگی یعنی فعالیت های فرهنگی (سرمایه فرهنگی عینیت یافته) به این صورت بود که ۱۴٪ از افراد فعالیت های فرهنگی در سطح بالا بالا داشتند، ۸٪ از افراد فعالیت های فرهنگی در سطح متوسط و ۶٪ از افراد نیز دارای فعالیت های فرهنگی در سطح پایین بودند. همچنین نتایج پژوهش در مورد شاخص دوم سرمایه فرهنگی یعنی شرکت در کلاس های آموزشی به این صورت بود که ۴/۸٪ از افراد در سطح بالا در کلاس های آموزشی شرکت داشتند، ۶۱/۲٪ در سطح متوسط در کلاس های آموزشی شرکت می کردند و ۳۴٪ افراد نیز در سطح پایین در کلاس های آموزشی شرکت داشتند. در مورد شاخص سوم یعنی میزان آشنایی با مهارت ها (سرمایه فرهنگی نهادینه شده) نتایج پژوهش به این صورت بودند. ۲۷/۸٪ از افراد در سطح بالا با مهارت ها آشنا بودند، ۵۷/۲٪ از افراد در سطح متوسط با مهارت ها آشنایی داشتند و ۱۴/۹٪ نیز در سطح پایین با مهارت ها آشنا بودند.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با الهام از نظریه های رابرت پاتنام و پیر بوردیو به دنبال بررسی تأثیر سرمایه های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین شهروندان کرمان بود. نتایج بدست آمده از پژوهش، فرضیه اصلی پژوهش را تأیید کرد و نشان داد که بین سرمایه های اجتماعی - فرهنگی و نگرش مثبت به طلاق رابطه معناداری و مستقیم وجود دارد.

از بین ۱۴ فرضیه پژوهش که مورد آزمون قرار گرفتند شش مورد از آن ها مورد تأیید قرار گرفت که این شش مورد عبارتند از: سرمایه اجتماعی کل، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی کل، سرمایه فرهنگی عینیت یافته، سطح تحصیلات، میزان درآمد،

فرضیه اول: بین سرمایه اجتماعی و نگرش مثبت افراد به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود بین سرمایه اجتماعی و نگرش مثبت به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می گردد. به این معنا که افرادی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار بودند نگرش مثبت تری نسبت به طلاق داشتند. یافته ی بدست آمده در این پژوهش با یافته های خزائی (۱۳۸۸) و رزمجویی (۱۳۹۵) همسو می باشد که نشان داده بودند افرادی که سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و عضویت اجتماعی) بیشتری در جامعه داشتند در مقایسه با کسانی که سرمایه اجتماعی کمتری داشتند، نگرش مثبت و نگاه خوشبینانه ای نسبت به طلاق داشتند. بر اساس نتیجه مذکور می توان اینگونه برداشت کرد که معمولاً افرادی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند و نگاه خوشبینانه ای به طلاق

دارند، طلاق را نه به عنوان یک چالش بلکه به عنوان یک فرصت در نظر می‌گیرند و این امر موجب خواهد شد که افراد راحت‌تر تصمیم به طلاق بگیرند. همچنین این یافته تئوری پانام را در این زمینه تقویت می‌کند.

فرضیه دوم: بین سرمایه فرهنگی و نگرش مثبت افراد به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود بین سرمایه فرهنگی و نگرش مثبت به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد. به این معنا که افرادی از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار بودند نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشتند. یافته‌های بدست آمده با یافته‌های آفاجانی (۱۳۹۶) و رحمت پور (۱۳۹۰) همسو می‌باشد که در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافته بودند. همچنین این نتایج تئوری بوردیو را در این زمینه تقویت می‌کند.

فرضیه ششم: بین سطح تحصیلات و نگرش مثبت افراد به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود بین سطح تحصیلات و نگرش مثبت به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد. به این معنا افرادی که سطح تحصیلات بالاتری داشتند نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشتند. این یافته بدست آمده با یافته‌های مارتین و پاشار (۲۰۰۳)، خزائی (۱۳۸۸)، رحمت پور (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. بنابراین این فرضیه تقویت می‌گردد که با افزایش سطح تحصیلات نگرش مثبت افراد نسبت به طلاق نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه هشتم: بین میزان درآمد و نگرش مثبت افراد به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود بین میزان درآمد و نگرش مثبت به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد. به این معنا افرادی که از درآمد بالاتری برخوردار بودند نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشتند. این یافته، با یافته‌های رزمجویی (۱۳۹۵) خزائی (۱۳۸۸) و رحمت پور (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. و این فرضیه تقویت می‌شود که با افزایش میزان درآمد نگرش مثبت افراد به طلاق نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه نهم: بین مشارکت اجتماعی و نگرش مثبت افراد به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود بین مشارکت اجتماعی و نگرش مثبت به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد. به این معنا که افرادی که مشارکت اجتماعی بیشتری (در انجمن اولیا و مربیان، باشگاه‌های ورزشی، گروه‌های مذهبی و خیریه، کانون‌های علمی و فرهنگی، تعاونی‌ها و گروه‌های صنفی و گروه‌های سیاسی، بسیج، ستادهای برگزاری انتخابات، شوراها و فعالیت‌های محیط زیست و جمعیت سبز) داشتند نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشتند. این یافته بدست آمده از پژوهش، همسو با یافته رزمجویی (۱۳۹۵) و البته مغایر با یافته خزائی (۱۳۸۸) می‌باشد.

فرضیه سیزدهم: بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نگرش مثبت افراد به طلاق رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۱۵ مشاهده می‌شود بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نگرش مثبت به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد. به این معنا که افرادی از سرمایه فرهنگی عینیت یافته بالاتری برخوردار بودند نگرش مثبت‌تری نسبت به طلاق داشتند.

با این حال باید به این نکته توجه داشت که بر خلاف سال‌های گذشته که نگرش‌های افراد به مسئله طلاق منفی بود و افراد نگاه بدبینانه‌ای نسبت به طلاق داشتند و در واقع به عنوان یک چالش در نظر می‌گرفتند، اما به مرور و با گذشت زمان و فراهم شدن شرایط رفته رفته نگرش‌های افراد نسبت به مسئله طلاق تغییر پیدا کرد. به گونه‌ای که در حال حاضر شاهد آن هستیم که افراد با نگاه مثبتی به طلاق می‌نگرند و در واقع طلاق را نه به عنوان یک چالش بلکه به عنوان یک فرصت و یا پلی به سوی رهایی تلقی می‌کنند. یافته‌ها بدست آمده از پژوهش حاکی از این است که بهرمندی هرچه بیشتر افراد از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی موجب شکل‌گیری افق‌های تازه و نگرش‌های جدید نسبت به مسائل و موضوعات گوناگون از سوی کنشگران اجتماعی می‌شود. یکی از این مسائل، مسئله طلاق است که نتایج این پژوهش نشان داد که کنشگرانی که در سطح یک جامعه و به‌طور خاص شهر

کرمان نگرش مثبت و افق جدیدتری نسبت به طلاق داشتند در واقع افرادی بودند که از بیشترین سرمایه اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه برخوردار بودند. بنابراین این پژوهش بیان کننده‌ی این نکته است که سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی نقش مهم و مؤثری در تعدیل نگرش‌های افراد نسبت به مسئله طلاق دارند.

بورديو معتقد است که سرمایه فرهنگی تعیین کننده‌ی سطح پرستیژ فرهنگی و سطوح مختلف ساختار طبقاتی در جامعه است. افراد همواره توسط ترکیبی از دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی رتبه بندی می‌شوند، این محیط‌ها به لحاظ سطح و گستره فرهنگی از هم متمایز می‌گردند. در درون هر محیط رتبه بالاتر دارای فرهنگی با پرستیژ بالاتر است که این امر باعث تسلط و مشروعیت سلطه صاحبان فرهنگی می‌شود به گونه‌ای که افرادی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند معمولاً نقش مهمی در مشروعیت بخشی و تمایزبایی دارند (بورديو، ۲۰۰۰). بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش و نظریه بورديو می‌توان استنباط کرد که افرادی که سرمایه فرهنگی بیشتری را جذب کرده بودند و نمرات بالاتری را در سرمایه فرهنگی بدست آورده بودند نگرش مثبت و نگاه خوشبینانه تری نسبت به طلاق داشتند و در مورد سرمایه فرهنگی عینیت یافته، نتایج بیانگر این بود که افرادی که نمره بالاتری را کسب کرده بودند و استفاده بیشتری از سینما، تئاتر، کافی شاپ، فضای مجازی، روزنامه و مجله، کتاب و برنامه‌های ماهواره، بازدید از موزه و آثار تاریخی و تابلوهای نقاشی، داشتند نگاه مثبتی به طلاق داشتند.

علاوه بر این نتایج این پژوهش را نیز می‌توان بر اساس نظریه بحران ارزش‌ها تحلیل و بررسی کرد. برطبق این نظریه، بحران ارزش‌ها در همه سطوح جامعه تأثیرگذار است. این مسئله به ویژه در خانواده مسائل و مشکلات زیادی را به وجود آورده است. بسیاری را عقیده بر این است " که جامعه جدید صنعتی جامعه ای است که از نظر ساختی طلاق زاست. در چنین جامعه ای ثبات روابط رو به کاستی می‌گذارد، ارتباطات انسانی آسیب پذیر می‌شود و تحرک جغرافیایی به اوج خود می‌رسد (ساروخانی، ۱۳۷۲) می‌توان به این نتیجه رسید که بر خلاف سال‌های گذشته که ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی نقش پررنگی را در جامعه ایفا می‌کردند و افراد بیشتر پایبند به ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی بودند و طلاق قبح و صورت منفی در جامعه داشت. در واقع نگرش منفی که افراد نسبت به طلاق داشتند موجب می‌شد افراد تا حدالامکان از اقدام به طلاق خودداری کنند. اما در حال حاضر که ارزش‌های اجتماعی کمرنگ شده و قبح طلاق شکسته شده و صورت منفی آن از بین رفته و همچنین نگرش جدیدی که افراد نسبت به طلاق پیدا کرده اند، باعث شده افراد راحت تر اقدام به طلاق کنند. بنابراین در کنار نقش و تأثیری که سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش مثبت افراد به طلاق دارند اهمیت و نقش ارزش‌ها در تعیین نگرش‌های افراد نیز ضروری است.

درمجموع و با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان این گونه بیان داشت که هر چه قدر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی به همراه شاخص‌های آن در یک بستر اجتماعی بیشتر باشد و بهره‌مندی و دسترسی افراد به آن‌ها بیشتر و آسان تر باشد، کنشگران فرصت و موقعیت بهتری خواهند یافت که نظام نگرشی خویش را نه فقط بر اساس نظام هنجاری جامعه بلکه بر مبنای پایگاه اجتماعی و اقتصادی خود نیز شکل بدهند. که این امر موجب تفاوت در نظام نگرشی کنشگران اجتماعی نسبت به یک مسئله خاص از جمله طلاق خواهد شد. نتایج این پژوهش نیز موید این فرضیه بودند که افرادی که سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بیشتری در بستر اجتماعی داشتند و سطح تحصیلات و میزان درآمد بالاتری برخوردار بودند، دیدگاه و نگرش مثبت تری نسبت به مسئله طلاق داشتند.

۱. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲)، "روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی" قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲. آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۷)، "عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی"، مجله جامعه‌شناسی، سال اول. شماره ۲، صص ۳۱-۶۴.
۳. آقاجانی مرسا، حسین (۱۳۸۷)، "جامعه‌شناسی همسرگزینی"، ازدواج و طلاق، تهران: نشر علم، چاپ اول.
۴. اتکینسون، ریتال (۱۳۶۸)، "زمینه روانشناسی (جلد دوم)". ترجمه: براهنی، محمدتقی و همکاران، انتشارات رشد
۵. الوانی و سیدنقوی (۱۳۸۱)، "سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۶. بارنز و بکر (۱۳۹۰). "تاریخ اندیشه اجتماعی" مترجم: جواد یوسفیان، علی اصغر مجیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۴)، "شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی"، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و همکاران، تهران: نشر شیرازه
۸. بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، "تمایز"، ترجمه: محسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث
۹. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، "دموکراسی و سنت‌های مدنی"، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران، نشر روزنامه اسلام
۱۰. تاجبخش، کیان (۱۳۸۲)، "بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کارایی شوراهای محلی در ایران". استانداری فارس، دفتر امور اجتماعی و شوراها.
۱۱. تاجبخش، کیان (۱۳۸۲)، "بررسی مقدماتی کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تأمین اجتماعی در ایران"، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۱۲. حقیقتیان، منصور (۱۳۹۳)، "سرمایه فرهنگی و بازتولید: تأثیر سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان در شهر اصفهان"، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی سال نهم شماره ۲۱، صص ۷۰-۵۳.
۱۳. رحمت پور، پخشان (۱۳۹۰)، "نگرش به طلاق در فضاهای همسرگزینی و تحلیل روند طلاق در ایران در شهر سنندج". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی. دانشگاه تهران.
۱۴. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۳). اعتماد و انومی: انومی یا اشفتگی اجتماعی، تهران
۱۵. روح الامینی، محمود (۱۳۷۷)، "زمینه فرهنگ شناسی"، تهران، انتشارات عطار.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، "طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن"، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۷. سایت سازمان ثبت‌احوال استان کرمان (۱۳۹۵).
۱۸. سایت سازمان ثبت‌احوال کشور www.sabteahval.ir
۱۹. ستوده، هدایت ... (۱۳۷۹)، "آسیب‌شناسی اجتماعی". تهران: انتشارات اوای نور چاپ ششم.
۲۰. شارع پور، محمود (۱۳۸۱)، "رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان شهر تهران". نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰
۲۱. شارع پور، محمود (۱۳۸۵)، "سرمایه اجتماعی: مفهوم سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری". ساری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران

22. Allport, F. H. (1920). "the influence of the group association and thought". journal of Experimental psychology. 3. 159-182
23. Bourdieu P. (1986). "The forms of capital. in j. richardson (Ed.)", Handbook of theory and Research for the sociology of education, New York: Greenwood Press.
24. Bourdieu, P. (1993). "sociology in Question". London: sage.
25. Colman J. S. (1988). "Social capital in the creation of human capital". the american journal of sociology: 95-120
26. Colman J. (1994). "Foundation of social theory". belknap press. cambridge MA.
27. Putnam, R.D. (1995), "Bowling alone: Americas declining social capital", journal of Democracy, 6:65-78
28. Putnam, R. (2000), "Bowling alone- the collapse and revival of American community", New York: simon & Schuster. www.nita-writer.wordpress.com
29. Rafaeli s. ravid, G. Soroka v, (2004), "a social communication network approach to measuring the effects of social and cultural capital". proceeding of the 37 Annual Hawaii international conference on volume, issue. 5-8 jan.
30. Taylor P, (1997), "investigating culture and identity: collines, quoted in", communication studies: The essential Resource, cultural, communication and context. pp. 199-200.